

## تناسب قرارهای تامین کیفری و حفظ حقوق شهروندی متهم

### در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

زهرا شیخی<sup>۲</sup>

#### چکیده:

یکی از تصمیمات مهم مرحله تحقیقات مقدماتی، صدور قرار تامین کیفری است. عمده هدف از صدور آن، دسترسی به متهم می باشد. از آنجا که در مرحله تحقیقات مقدماتی بزهکاری فرد ثابت نشده است، رعایت حقوق شهروندی وی حایز اهمیت است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با مد نظر قرار دادن دستاورد های نوین حاکم بر آیین دادرسی کیفری در دنیا، در جهت حفظ حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی تلاش نموده است. در این راستا، قرار های پنجگانه تامین کیفری در قانون سابق را به ده مورد افزایش داده و قرارهای نظارت قضایی را پیش بینی نموده است. در قانون مزبور، قانونگذار با ایجاد تنوع و تحوّل در قرارهای تامین کیفری، گنجانیدن قرارهای نظارت قضایی، کاهش موارد بازداشت موقت با مدنظر قرار دادن اصل عدم جواز صدور بازداشت موقت جز در موارد ضروری، توانسته، حتی المقدور از بازداشت غیر ضروری متهمان در مرحله پیش از دادرسی جلوگیری و با حفظ حقوق و آزادی متهمان در راستای حفظ حقوق شهروندی، گام های مثبتی بردارد.

**واژگان کلیدی:** اصل تناسب، تحقیقات مقدماتی، حقوق شهروندی متهم، شخصیت متهم، قرار تامین کیفری.

<sup>۱</sup> - دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۰

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد حقوق. Z.sheikhi67@yahoo.com

## مقدمه

ایجاد مقدمات یک دادرسی منصفانه مستلزم این است که یک سری ابزار و تمهیداتی وجود داشته باشد که از طریق آنها بتوان در موارد لزوم به متهم دسترسی داشت و اختلالی در روند دادرسی ایجاد نگردد. انجام تحقیقات کافی و تحصیل دلیل و محاکمه‌ی متهم که کلیه تضمینات لازم را برای دفاع از متهم در بر داشته باشد، محتاج صرف زمان است. بیم فرار متهم، امحاء آثار و ادله‌ی جرم و سایر توجیهات قراردادهای تأمین، دستگاه عدالت کیفری را به تاسیس نهاد قرار تأمین کیفری، ناچار می‌کند، که نتیجه‌ی اجتناب ناپذیر آن توقیف بعضی متهمان است. در واقع، به ناچار "در مرحله‌ی پیش از اثبات اتهام، اصل برائت در مورد این متهمان نادیده انگاشته می‌شود."

صدور قراردادهای تأمین کیفری یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل دادرسی کیفری است که در مرحله تحقیقات مقدماتی از سوی مقام قضایی صادر می‌شود. قرار تأمین کیفری از انواع قراردادهای اعدادی است که در جهت به کیفر رساندن متهم صادر می‌گردد. قراردادهای تأمین کیفری انواع مختلفی دارند که استفاده هر یک از آنها در مورد متهم، در اختیار بازپرس یا دادپاری است که تحقیق را بر عهده دارد. با این حال، مرجع تحقیق در این اختیار خود، اختیار نامحدود نداشته، ملزم به رعایت اصل تناسب تأمین است، بدین معنا که قرار تأمین باید با نوع و اهمیت جرم، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار و مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنسیت، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد. بدیهی است قرار تأمین کیفری متناسب نقش بسزایی در حفظ حقوق شهروندی متهم دارد که در نوشتار حاضر به موضوع فوق پرداخته می‌شود.

## ۱- کلیات

### ۱-۱- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی یا حقوق مدنی که اغلب در فرهنگ‌های حقوقی تحت عنوان حقوق مدنی و سیاسی (بصورت توأمان) آورده می‌شود. عبارت از "دسته‌ای از حقوق است که آزادی افراد را از گزند و آسیب‌های احتمالی که ممکن است توسط دولت‌ها یا نهادهای خصوصی اعمال شوند، مورد حمایت قرار می‌دهد و توانایی مشارکت افراد و اطمینان از عملی ساختن این توانایی برای مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی و بدون هیچ تبعیض و سرکوبی از سوی دولت است." (

[http://en.wikipedia.org/wiki/Civil\\_and\\_political\\_rights](http://en.wikipedia.org/wiki/Civil_and_political_rights). last seen (۰۱,۴/۱۳۹۸)

برخی صاحب نظران، ایران باستان را بنیان‌گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته‌اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، که به منشور حقوق بشر معروف شده است، بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. فرمان‌هایی مانند منع برده داری و به اسارت گرفتن، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل‌کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و غیره در اسناد به دست آمده از تخت جمشید قابل ذکر است. (جنیدی، ۱۳۷۸، ص: ۳۵)

در حقوق اسلامی که معیار آن حفظ کرامت انسان و هویت واقعی اوست. بسیاری از این حقوق از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است، بر این اساس شهروندان، افراد مطیع و محکومان حکومت که به عنوان ابزار مطامع شخصی و گروهی حاکمان مورد استفاده قرار گیرند، نمی‌باشند بلکه در روابط دولت با افراد جامعه به عنوان شهروند همواره این اصل (اصل کرامت انسان) باید مد نظر قرار گیرد و تعیین هر نوع حقوقی بدون در نظر داشتن این اصل مبنایی و نظری اصیل غیر معتبر خواهد بود، رفتار دولت‌مردان و تعیین قواعد حقوقی و هر نوع تعاملی با شهروندان باید با حفظ کرامت انسان همراه باشد و الا از دیدگاه اسلام مردود و غیر قابل قبول می‌باشد. (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷، ص: ۱۷۴)

امروزه، به منظور حفظ نظم و امنیت شهروندان در جامعه، حکومت ناگزیر از وضع مقررات کیفری می‌باشد. تا نسبت به شهروند متجاوز به حقوق جامعه یا متجاوز به دیگر شهروندان واکنش کیفری مناسب نشان دهد. ولی رویکرد مهم این نوع برخورد، در گرو حفظ توازن، بین حقوق جامعه و حقوق دفاعی متهم است.

در غیر این صورت، اجرای عدالت نمی‌تواند تبلور منصفانه‌ای داشته باشد. از این رو، در عصر کنونی، شیوه رسیدگی به اتهام انتسابی به شهروند، خودسرانه نیست بلکه مطابق اصول و قواعد و مقرراتی است که آیین دادرسی کیفری نامیده می‌شود.

تضمین حقوق دفاعی متهم، بر مبنای اصول دادرسی عادلانه، از ویژگی‌های بارز حکومت قانونمدار و مردم‌سالار، محسوب می‌شود. با چنین رویکردی، شهروند متهم یا، می‌تواند در پرتو این حقوق دفاعی و ابزار اساسی آن، از تعرض احتمالی حاکمیت یا دیگر شهروندان از تعقیب و مجازات ناروا در امان باشد.

با توجه به اینکه قراردادهای تامین کیفری یکی از ابزارهای محدودکننده آزادی و رفت و آمد به حساب می آید، مقام قضایی باید در اخذ آن دقت لازم را مبذول دارد و در هر صورت قواعد مزبور بایستی متناسب با شخصیت متهم، نوع رفتار ارتكابی و غیره باشد.

در قانون سابق تعداد قراردادهای تامین پنج نوع و در حال حاضر همانگونه که قبلاً بیان شد به ده نوع قرار افزایش یافته است و تمهیداتی اندیشیده شده است. از جمله:

الف) در جرایم غیر عمدی در صورتی که حقوق بزه دیده به تشخیص مقام قضایی به طریقی تامین شود صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

ب) برابری مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثیقه با خسارات وارده به بزه دیده و نیز در صورت معرفی وثیقه به جای کفالت از سوی متهم، قبول آن از سوی مقام قضایی و همچنین پذیرش کفالت اشخاص حقوقی.

ت) فراهم کردن تمهیدات لازم جهت سپردن قرار توسط متهم.

آنچه در میان قراردادهای تامین می تواند ناقض حقوق شهروندی باشد و آزادی رفت و آمد متهم را محدود نماید قرار بازداشت موقت است که معادل یک مجازات می باشد زیرا هنوز گناهکاری متهم ثابت نشده است و مقام قضایی ملزم به رعایت احتیاط و در نظر گرفتن اصل تناسب می باشد. (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۳، ص: ۷۹)

## ۲-۱- قراردادهای تامین کیفری

در تعریف قرار تامین کیفری باید بیان داشت، تامین کیفری، قیدی است محدود کننده آزادی که مطابق ترتیبات قانونی و برای امکان دسترسی به متهم، درباره وی اعمال می شود. اخذ تامین، اولین اقدام رسمی است که پس از بازجویی از جانب مقام قضایی صورت می گیرد. اخذ تأمین از متهم، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، از یک سو اصل برائت ایجاب می کند که تا تعیین تکلیف قطعی اتهام وارده به شهروندان هیچ گونه محدودیتی نسبت به اموال یا آزادی آنان وارد نشود، از سوی دیگر ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار و تبانی و به ویژه جلوگیری از تضییع حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرم و غیره نیازمند این است که در پاره ای از موارد، قبل از اعلام نظر قطعی، قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت ها و تعهداتی برای او یا سایر افراد فراهم شود. (نصرتی، ۱۳۹۷، ص: ۲۳۱)

تأمین کیفری یکی از قراردادهای تمهیدی است که برای تضمین حضور و دسترسی به متهم در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای حکم، صادر می‌گردد. قرار تأمین در ماهیت خود، با تحدید حقوق و آزادی‌های متهم ملازمه دارد تا آنجا که قرار تأمین اصلی را قرار بازداشت موقت دانسته و سایر قراردادهای تأمین را جانشین‌های قرار بازداشت شمرده‌اند.

از این رو، صدور قرار تأمین کیفری پیش از محکومیت قطعی برای متهم چالشی میان حقوق دفاعی متهم و آزادی شهروندان از یک سو، و پیشبرد اهداف نظام عدالت کیفری و تأمین فرآیند رسیدگی سریع و کارآمد از سوی دیگر است. اصل تناسب تأمین، راهکاری میانه برای حل این چالش است. به این معنا که هرچند اهداف مورد نظر در رسیدگی کیفری - از جمله دسترسی به متهم برای به انجام رساندن تحقیقات به هنگام و جامع - اقتضا دارد که بخشی از آزادی‌های متهم تا حدی تحدید گردد، لیکن این محدودیت نباید حقوق و امنیت قضایی شهروندان را با تهدید جدی مواجه سازد بلکه باید محدود به حدود ضرورت و متناسب با آن صادر گردد. (رجب، ۱۳۹۶: ۶۴)

مطابق ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در مواد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن و یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام بدوی یکی از قراردادهای تأمین کیفری را صادر نماید.

در ماده ۲۱۷ قانون مذکور لفظ مکلف بودن قاضی، ذکر گردیده است بنابراین پس از تفهیم اتهام، صدور یکی از قراردادهای تأمین الزامی می‌باشد.

بر اساس ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، قراردادهای تأمین به شرح ذیل است:

الف) التزام به حضور با قول شرف؛

ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛

پ) التزام به خارج نشدن از حوزه قضایی با قول شرف؛

ت) التزام به خارج نشدن از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام؛

ث) التزام به معرفی نوبه‌ای متهم به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام؛

ج) التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از دریافت تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوطه؛

چ) التزام به خارج نشدن از خانه یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات؛

ح) دریافت کفیل با تعیین وجه الكفاله؛

خ) دریافت وثیقه اعم از پول نقد، ضمانتنامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول؛

د) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی؛

### ۳-۱- تناسب قراردادهای تامین کیفری در حقوق ایران

تناسب، محدود کردن دامنه شدت و شمول اقدامات مقام عمومی است. تناسب، یک اصل حقوقی است و در تمام مواردی که برخوردی میان یک قدرت و رای اراده فرد با حقوق و آزادی‌های مشروع فرد مطرح می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و به تبع آن حوزه، رنگ خاص آن را به خود می‌گیرد. با این حال، خاستگاه نظری اصل تناسب را باید در توصیف منشأ و مشروعیت قدرت سیاسی دید. (همان، ۱۳۹۶، ص: ۶۶)

قانون جدید آیین دادرسی کیفری، صلاحیت انحصاری و غیر قابل تفویض مقام قضایی را در صدور قرار تأمین مورد تصریح قرار داده است و در عین حال، آن را مقید به رعایت مقررات قانونی نموده است.

قانون مزبور سرشار از مواردی است که به ضرورت متناسب بودن تأمین مأخوذه تصریح شده است، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صرفاً به قراردادهای تأمین معمول بسنده نکرده و نیز از قرار نظارت قضایی نام برده است.

بنابر آنچه گفته شد، اخذ تأمین کیفری اساساً یک اقدام مقام عمومی تلقی می‌شود و بر همین اساس، صدور قرار تأمین کیفری منحصر است به موارد معین قانونی و صرفاً از سوی مقاماتی که قانون اجازه داده است.

- لزوماً باید در صورتی اخذ شود که ضرورت آن توسط مقام قضایی احراز گردد. می‌بایست با حدود ضرورت متناسب باشد و از آن میزان تجاوز نکرده، و متناسب با آن حداقل تضمین ممکن

در حقوق و آزادی فرد مورد قرار را ایجاد نماید بدیهی است در این معنا مفهوم تناسب نمی‌تواند بدون توجه به مفهوم ضرورت تبیین شود.

- با طی فرآیند قضایی شفاف و مقرر در قانون، اخذ و طی قرار مکتوب و قابل اعتراض به شخص مورد قرار، کتباً تفهیم و ابلاغ گردد. (همان، ۶۷)

در ادامه، به بررسی شاخص‌های عام و خاص صدور قرارهای تامین کیفری در قانون ایین دادرسی کیفری پرداخته می‌شود.

### ۱-۳-۱- شاخص‌های عام تناسب تامین کیفری

قانونگذار، اصولاً معیارهایی کلی برای تناسب تأمین به دست داده است ماده ۲۵۰ اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت متهم را مورد اشاره قرار داده است.

با توجه به تفکیک میان "نوع و اهمیت جرم" و "شدت مجازات" می‌توان فهمید که اولی ناظر به قبح اجتماعی و آثاری است که رفتار مجرمانه در پی داشته است که لزوماً با شدت مجازات سنجیده نمی‌شود.

سایر موارد مورد اشاره، چندان با ابهام روبرو نیست و ضرورت توجه به آن در اصدار قرار متناسب روشن به نظر می‌رسد، چه اینکه هر یک از این عوامل منطقاً می‌تواند در احتمال حضور متهم در فرآیند رسیدگی کیفری و یا فرار و فریبکاری او باشد. ضوابطی که در ماده فوق آمده ضوابط عام تناسب تأمین در مقابل ضوابط خاص هستند.

#### الف- اهمیت جرم:

اهمیت جرم در قوانین موجود تعریف نشده است ولی می‌توان گفت: " منظور از اهمیت جرم، قبح اجتماعی عمل ارتكابی و اثری است که وقوع بزه در جامعه به وجود می‌آورد."

#### ب- شدت مجازات

تأمین شدید برای جرائمی است که مجازات شدید دارند در برخی موارد شناخت مجازات شدید از خفیف به سادگی امکان پذیر نیست؛ مثلاً اظهارنظر در مورد شدت دو ماه حبس نسبت به

دویست هزار تومان جزای نقدی با توجه به وضعیت متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشخاص متهم مشکل است.

### پ- ادله و اسباب اتهام

تأمین باید با میزان و ارزش دلایلی که برای انتساب اتهام به متهم نزد مقام قضایی اقامه شده تناسب داشته باشد هر چند که نوع اتهام و مجازات آن شدید باشد نباید تأمین شدید باشد.

ادله و اسباب اتهام تنها موردی است که به شخص متهم مربوط نیست. لیکن ظاهراً در نظر مقنن هر چه اسباب توجه اتهام به متهم قوی‌تر باشد، باید قرار صادره شدیدتر و سنگین‌تر باشد. به نظر می‌رسد که این معیار می‌تواند محل نقد قرار گیرد، چرا که یا ادله توجه اتهام به میزان کافی موجود است، که در این صورت بنابر صدر ماده ۲۱۷ می‌تواند در جمع با سایر شرایط مجوز صدور قرار تأمین باشد و یا چنین ادله‌ای به حد کفایت در کار نیست که در این صورت صدور قرار نیز وجهی ندارد.

از این حیث، شدت و خفت ادله و خصوصاً تأثیر آن در تناسب تأمین مأخوذه معنای محصلی نمی‌تواند داشته باشد، مگر اینکه چنین تصور شود که وجود ادله قطعی و قوی‌تر بر اثبات و توجه اتهام می‌تواند انگیزه متهم را در فرار یا عدم حضور تقویت کند و از این حیث، مبنایی برای صدور قرار شدیدتر تلقی گردد.

از سویی، صدر ماده ۲۱۷ مقرر می‌دارد که بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی به اصدار قرارهای احصاشده در این ماده (از جمله قرار بازداشت موقت) مبادرت می‌کند و از سوی دیگر، در صدر ماده ۲۳۷ از جواز صدور این قرار آن هم مشروط بر کفایت ادله در توجه اتهام سخن می‌گوید. در واقع، این مقام قضایی است که بنابر تشخیص قضایی خود و با توجه به شرایط مندرج در قانون و در صورت احراز ضرورت تأمین متناسب را اخذ می‌نماید. این شیوه تقنین، در واقع، تأکید مجددی است بر اعتماد به تشخیص قضایی مقام ذی صلاح در تعیین و انتخاب نوع تأمین مناسب است. (همان، ۷۰)

### ت- احتمال فرار یا مخفی شدن متهم

تأمین باید به نحوی انتخاب شود که از فرار و یا مخفی شدن متهم جلوگیری کند؛ با توجه به اینکه فرار متهم موجب تضییع حقوق بزده دیده می‌شود و دادرس مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که تأمین برای متهم مهم باشد و بتواند او را از فرار یا مخفی شدن باز دارد.



### ث- جلوگیری از امحای آثار جرم

در مواردی که آزادی متهم موجب امحای آثار و دلایل جرم می شود و آثار و دلایل مذکور برای کشف حقیقت و اجرای عدالت، اساسی باشد قرار بازداشت موقت، تأمین نامتناسبی نخواهد بود.

### ج- سابقه متهم

باید از متهمینی که سابقه ارتکاب جرم و یا محکومیت کیفری دارند تأمین شدیدتری اخذ گردد. البته گفتنی است که در تأثیر سابقه باید به عمدی و غیرعمدی بودن جرم توجه شود و به نظر می رسد سابقه ارتکاب جرایم غیرعمدی نباید موجب اخذ تأمین شدید شود.

### چ- وضعیت جسمی و روحی متهم

بیماری متهم از حیث حقوق انسانی بیمار و حقوق سایرین به لحاظ پیشگیری از سرایت، در نوع تأمین مؤثر است. پیداست در مواردی که قرار تأمین جانشین عملاً منجر به بازداشت متهم می گردد این شاخص مطرح می شود، چون بازداشت متهم و سلب آزادی اوست که او را از نظر جسمی و روحی در معرض آسیب و خطر قرار می دهد.

لذا این شاخص، در قرارهای جانشین - یعنی قرارهای التزام به حضور با قول شرف و التزام به حضور با تعیین وجه التزام - کاربرد ندارد. علاوه بر این ممکن است بیماری روانی یا جسمی متهم مثل ابتلاء او به امراض مسری، سلامتی سایر افراد بازداشتی را تهدید کند. (ناجی زواره، ۲۳۱)

### ح- سن

سن متهم از لحاظ سالخوردگی و صغیر بودن در نوع تأمین مؤثر خواهد بود به طوری که مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، برای اطفال مقررات ویژه‌ای پیش بینی کرده است منظور از حیثیت متهم نیز معنای عرفی آن می باشد و باید در کنار سایر ضوابط مورد توجه قاضی صادر کننده قرار تأمین قرار گیرد.

این شاخص نیز در مواردی مد نظر قرار می گیرد که قرار جانشین صادره منجر به سلب آزادی از متهم شود. لذا در قراردایی که به این نتیجه نینجامد به عنوان شاخص مطرح نیست.

سن ممکن است کم و یا خیلی زیاد باشد به عبارت دیگر این شاخص در مورد متهمین نوجوان نیز مطرح می شود و محدود به افراد کهنسال نیست، به ویژه اینکه در مورد افراد نوجوان، خطر آسیب روحی و جسمی را با هم مطرح می سازد. البته شاخص های وضعیت مزاج و سن و همین

طور شاخص حیثیت، در مواردی چند با یک دیگر ارتباط تنگاتنگی دارند، به طوری که بعضاً در مورد یک متهم توأمان مطرح می شوند.

#### د- شخصیت و حیثیت متهم

شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی های ظاهری و غیر ظاهری رفتار یک فرد است که ثبات و جلوه بیشتری دارد و تاحدی قابل پیش بینی است. (محمدیان و محمدرضاپور، ۱۳۹۲، ص ۳۲۹)

حیثیت از نظر لغوی به معنای اعتبار و آبروست. قرار تأمین در صورتی حیثیت متهم را تحت الشعاع قرار می دهد که عملاً منجر به بازداشت او شود. هر چند حیثیت متهم با جنسیت او فرق می کند، ولی معمولاً وقتی متهم مؤنث باشد، بیشتر از متهم مذکر، حیثیت او مطرح می گردد. البته ابعاد دیگری از حیثیت مثل حیثیت شغلی را نیز باید در صدور و استمرار قرار تأمین مورد توجه قرار داد.

#### ۲-۳-۱- شاخص های خاص تناسب تامین کیفری

ضوابط خاص تناسب، ناظر به برخی از انواع تأمین یا برخی از انواع اتهام هستند، تکمیل می شوند برای مثال، در خصوص قرارهای وثیقه و کفالت، ماده ۲۱۹ میزان خسارت وارد به بزه دیده را به عنوان کف میزان قرار تأمین تعیین نموده است.

در جرم صدور چک بلامحل، صرفاً قرارهای کفالت و وثیقه تجویز شده اند یا در ماده ۶۹۰ قرارهای قابل اصدار در خصوص شخص حقوقی محدود به دو مورد ممنوعیت از تغییر در وضعیت حقوقی و ممنوعیت از اشتغال به برخی فعالیت های شغلی گردیده است.

با این حال ناگفته پیداست که در این موارد، قرار صادره نباید به همین میزان بسنده کند و با توجه به اینکه صحبت از وقوع یک جرم در میان است، میزان قرار صادره باید حداقل خسارات وارده به علاوه مبلغی بیشتر (از حیث جنبه عمومی جرم و مجازات هایی که احتمالاً می تواند در پی داشته باشد) تعیین گردد تا تضمین کافی برای حضور متهم فراهم سازد.

وانگهی، توجه قانونگذار در این مقرر به خسارات وارده به بزه دیده نشان از آن دارد که مقنن با قرارهای تأمین نه فقط تضمین حضور و دسترسی به متهم را دنبال می کند، بلکه علاوه بر آن می خواهد در جرایمی که بزه دیده دارد، گوشه چشمی هم به وی و خسارات احتمالی او داشته باشد.

بدین ترتیب، در این موارد هدف، نه فقط دسترسی به متهم بلکه جبران آسیب هایی است که بزه دیده متحمل شده است. نباید از این ماده نتیجه گرفت که موارد صدور قرار کفالت و وثیقه محدود به جرایم دارای بزه دیده یا فقط مسأله جبران خسارت است. کما اینکه سیاق عبارت قانون گذار تعیین آن باشد و نه به میزان آن.

این معنا در تبصره ۳ ماده ۲۱۷ نیز محسوس است، این تبصره در جرایم غیر عمدی (که علی الاصول مستلزم مجازات های خفیفی است و هدف اصلی در آن، حمایت از بزه دیده است به مقام قضایی اجازه داده است تا اگر تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر است از صدور قرارهای کفالت و وثیقه خودداری کند است، مثلاً اخذ بیمه نامه شخص ثالث در تصادفات رانندگی

با این حال از سیاق انشای این تبصره به خوبی فهمیده می شود که مقام قضایی مجاز به اخذ تأمین های خفیف تر یعنی موارد "الف" تا "ج" ماده ۲۱۷ خواهد بود و بدیهی است که منظور و هدف از این قرارها جبران خسارت بزه دیده نیست، بلکه تضمین حضور متهم است.

این عبارات در تبصره ۳ ماده ۲۱۷ و ماده ۲۱۹ قانون فوق الذکر به خوبی دوگانگی هدفی را که مقنن به طور توأمان دنبال نموده، به نمایش می گذارد. قانونگذار در موارد خاصی به معیار درجه بندی جرایم و مجازات ها توجه کرده است. برای مثال در خصوص قرار بازداشت موقت (ماده ۲۳۷) و نیز قرارهای نظارت قضایی (تبصره یک ماده ۲۴۷). بدین ترتیب، معیارهای خاص احصاشده در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ را نیز باید از موارد توجه مقنن به ضابطه ای خاص با توجه به نوع قرار دانست که در خصوص بازداشت موقت علاوه بر مدخلیت اتهام، آنچه انچه که در ماده ۲۳۸ می بینیم سایر اوضاع و احوال حاکم بر قضیه نیز باید در کنار جرم مورد توجه مقام قضایی قرار گیرد.

## ۲- قرار تامین کیفری متناسب و حفظ حقوق شهروندی متهم

قبل از پرداختن به بررسی قرار تامین کیفری متناسب در حفظ حقوق و آزادی متهم، شایان ذکر است، در اصول فقه از چهار اصل، براءت، احتیاط، تخییر و استصحاب با عنوان اصول عملی یاد می شود و مراد از اصول عملی، اصولی هستند که در هنگام جهل نسبت به حکم شرعی واقعی، تکلیف مکلف را در مقام عمل مشخص می کنند.

منظور از اصل براءت این است که اگر مجتهد شک در تکلیف کند، چه شک در وجوب (شبهه وجوبیه) و چه شک در حرمت (شبهه تحریمیّه) باشد و دلیل معتبری هم بر حکم مورد شک پیدا نکند شرعاً (براءت شرعیه) و عقلاً (براءت عقلیه) آزاد است و می تواند محتمل الوجوب را ترک کند

و محتمل التحريم را مرتكب شود و اگر چه در واقع هم واجب بوده باشد ولی او ترک کرده باشد و یا حرام بوده باشد ولی او مرتكب شده باشد، بر او عقاب و مؤاخذة ای نیست. ضمناً فرقی نمی کند که منشأ شبهه، فقدان دلیل باشد یا اجمال دلیل و یا تعارض نصین. (محمدی، ۱۳۷۳، ص: ۲۳۳)

به موجب " اصل براءت " هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، بی گناه فرض می شود تا گناهکاری او برطبق قانون در یک دادگاه صالح ثابت گردد. (مشهدی کلابی، ۱۳۹۴، ص: ۱)

اصل براءت و حقوق شهروندی اقتضا می کند که در مرحله تعقیب و دستگیری یکسری تشریفات و مواردی مورد رعایت قرار گیرند. با توجه به اینکه متهم از اصل براءت بهره می برد باید با وی همانند زمان قبل از اتهام برخورد شود و نباید آزادی وی سلب یا محدود شود.

در نتیجه جز در مواردی ویژه از قبیل جرایم مشهود و جرایم خاصی که مصلحت متهم یا جامعه اقتضاء می کند و به عبارت دیگر مقتضای عدالت حقوقی است، نباید وی را بازداشت کرد و باید تا آنجا که ممکن است برای تضمین حضور به موقع وی در جلسات دادرسی از راه صدور قرارهای جانشین یا جایگزین های بازداشت موقت عمل نمود، صدور چنین قرارهایی به سبب اینکه خلاف مقتضای اصل براءت می باشد جز با دخالت مقام قضایی امکان پذیر نیست.

صدور قرار تامین کیفری متناسب نیز نشأت گرفته از اصل براءت می باشد، عبارتی اصل براءت سبب می شود تا بیش از گذشته به قرار تامین کیفری متناسب توجه گردد و قرار تامین کیفری متناسب در نهایت سبب حفظ حقوق و آزادی های متهم می گردد.

## ۱-۲- لزوم معقول بودن مدت بازداشت

با عنایت به بند ۳ ماده ۴ میثاق، بازداشت اشخاص نباید قاعده کلی شود. بازداشت افراد باید یک استثنا و در حد امکان کوتاه باشد. در صدور قرار بازداشت باید تناسب آن با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحای آثار جرم و سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن وی رعایت شود.

طبق قسمت " الف " بند دو ماده ده میثاق، بازداشتی قاعداً باید به طور انفرادی نگهداری شود، زیرا نگهداری وی با محکومان در یک جا با آموزه های جرم شناسی و علوم جنایی انطباقی ندارد.

تعیین ضابطه این که چه مهلتی، مهلت معقول به شمار می رود، امر مشکلی است و این مهلت می تواند از قضیه ای تا قضیه دیگر فرق کند. بعضی از عناصری که می توانند در تعیین این مهلت مؤثر باشند عبارتند از: شدت و میزان جدیت اتهاماتی که به فرد وارد شده اند، ماهیت و میزان مجازات احتمالی فرد و میزان خطرناکی متهم چنانچه آزاد شود و یا احتمال فرار متهم. به این عوامل باید میزان جدیت مقامات قضایی و پیچیدگی و ویژگی های خاص موجود در تحقیقات نیز افزوده شود. همچنین رفتار شخص متهم، نظیر عدم همکاری او با مقامات قضایی و عدم حضور در جلسه دادرسی می تواند به طولانی شدن تحقیقات و تبعاً به طولانی شدن بازداشت کمک کند و در عین حال هم مهلت معقول به حساب بیاید. (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸)

در حقوق ایران، مقام قضایی ذیصلاح برای اصدار قرار بازداشت موقت باید مکلف به توجیه قرار بازداشت صادر شده باشد و در قرار خود دلایل صدور قرار را ذکر کند تا در صورت اعتراض متهم به این قرار و تجدیدنظرخواهی از آن، دلایل مذکور در مرحله بالاتر مورد ارزیابی قرار گیرد.

در نظام حقوقی ایران، مفهوم "مهلت معقول" به صراحت مورد حکم قانونگذار قرار نگرفته است و در هیچ نصی بدان اشاره نشده است. ولی در قانون آیین دادرسی کیفری الزامات قانونی وجود دارد که از آن با عنوان لزوم بازبینی در قرار بازداشت موقت یاد می شود.

در این خصوص، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ علاوه بر قابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقت، ماده ۲۴۲ قانون مرقوم بیان می دارد، هرگاه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تامین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین است.

اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می شود. متهم می تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می شود و ابقای تامین باید به تایید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تایید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم

تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت، بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی کند.

## ۲-۲- قابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقت

در نظام حقوقی ایران با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ پس از گذشت ۵ سال که حق اعتراض به قرار بازداشت به موجب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب از بین رفته بود، بار دیگر احیا شد. براساس ماده ۳۳ قانون مذکور، متهم ظرف ده روز حق تجدیدنظر از قرار بازداشت را داشت و مرجع تجدیدنظر آن هم دادگاه تجدیدنظر استان بود که با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می کرد. براساس ماده ۳۷ همین قانون، قضات مکلف بودند قرار بازداشت را مستدل، مستند و موجه صادر کنند و قرار بازداشت نیز هر ماه باید تمدید و یا فک می شد. لذا در صورت تمدید قرار، هر ماه یک بار حق تجدیدنظرخواهی برای متهم فراهم می شد.

لازم به ذکر است در سال ۱۳۸۱ در پی اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، دادرسی به نظام عدالت کیفری ایران بازگشت. متعاقب این امر و بر اساس ماده ۳ قانون فوق، بازپرس رأسا و یا به تقاضای دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار بازداشت موقت متهم را صادر کند. در صورتی که بازپرس رأسا قرار بازداشت موقت را صادر کرده باشد مکلف است ظرف ۲۴ ساعت پرونده را برای اظهارنظر نزد دادستان ارسال دارد. هرگاه دادستان با قرار بازداشت به عمل آمده موافق نباشد نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد، بازداشت با موافقت دادستان رفع خواهد شد. همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نیست، حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود.

احترام به آزادی افراد، مهمترین موضوعی است که باید در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد توجه قرار گیرد. قرار بازداشت موقت حق آزادی را سلب می کند آن هم زمانی که هنوز ثابت نشده است که متهم واقعا مجرم است یا خیر، بنابراین برای جلوگیری از سوء استفاده از این قرار و امکان بازبینی تصمیم مرجع قضایی در سلب آزادی از متهم امکان اعتراض متهم به این قرار پیش بینی شده است.

### ۳-۲- کاهش موارد بازداشت موقت

همانگونه که می دانیم، قرار بازداشت موقت به منظور انجام دادن تحقیقات مقدماتی، شدیدترین قرار تأمینی است که ممکن است از سوی بازپرس صادر شود.

این بازداشت با توجه به اینکه مغایر اصل برائت است، موارد صدور آن باید محدود شود. از این رو، در بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، به منظور جلوگیری از بازداشت اشخاص، صدور این قرار، بسیار محدود شده و قرارهای نظارت قضایی جانشین آن شده اند.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در این چارچوب و با هدف جلوگیری از بازداشت متهمان، نوآوری هایی را پیش بینی کرده است.

#### ۱-۳-۲- اصل عدم جواز صدور بازداشت موقت(جز در موارد ضروری)

به منظور رعایت آزادی و امنیت اشخاص و احترام به اصل برائت، قانونگذار، اصل صدور قرار بازداشت را بر آزادی متهم قرار داده است. ماده ۲۳۷ در این باره مقرر می دارد: "بازداشت موقت جایز نیست مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف - جرائمی که مجازات قانونی آن ها سلب حیات یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آن ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است.

ب - جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ - جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور که مجازات آن ها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت هریک از جرائم مذکور داشته باشد...

بدین سان، بازپرس در صورتی حق دارد قرار بازداشت موقت صادر کند که جرم ارتكابی مشمول یکی از این بندها بوده و سایر شرایط پیش بینی شده نیز فراهم باشد.

علاوه بر این، تبصره ماده ۲۳۷ موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری را که به موجب شماری از قوانین خاص پیش بینی شده بود (به استثنای قوانین مربوط به نیروهای مسلح) لغو کرده است. بدین ترتیب، قانون جدید از دامنه صدور قرار بازداشت موقت کاسته و موارد قرار بازداشت موقت را تنها در قانون آیین دادرسی کیفری مشخص کرده است.

هرچند قانونگذار در زمان تدوین مقررات مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جای مواد ۳۷ و ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ اصل عدم جواز صدور بازداشت موقت (جز در موارد ضروری) را جایگزین اصل اختیاری یا الزامی بودن (جواز) را در راستای روزآمد کردن قوانین کیفری به کار برده است. ولیکن، موارد قرار بازداشت موقت را افزایش داده است و همچنین با کلی گویی موجب افزایش قلمرو قرار بازداشت موقت شده است. مقامات صادر کننده قرار نیز برابر قانون اخیر التصویب افزایش یافته است. (قجاوند، ۱۳۹۳، ص ۱۴)

### ۲-۳-۲ - گسترش قرارهای تامین کیفری

در این خصوص، مقررات جدید، به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص، قرارهای جانشین بازداشت موقت را گسترش داده تا امکان استفاده از صدور قرار بازداشت موقت به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی فراهم شود.

به موجب ماده ۲۱۷ این قانون جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر می‌کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف؛

ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛

پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام؛

ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف؛

ث - التزام به معرفی نوبتی خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مراجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام؛



ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح، به حضور با تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آن ها از سوی سازمان مربوطه؛

چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات؛

ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله؛

خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول؛

و- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی؛

همچنین، قرارهای نظارت قضایی برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران و با هدف متناسب پیش‌بینی شده اند. بر پایه ماده ۲۴۷، مقام قضایی می‌تواند در کنار صدور قرار تأمین کیفری، جهت اصلاح و درمان متهم جرم ارتكابی قرار نظارت قضایی را برای مدت معینی صادر کند. بدین سان، مقام قضایی مجاز خواهد بود که در کنار قرارهای تأمین کیفری دهگانه مورد اشاره در ماده ۲۱۷، در صورت صلاحدید به صدور قرار نظارت قضایی اقدام نماید. (ساقیان، ۱۳۱)

هرچند قانونگذار نظر به گسترش قرارهای تأمین کیفری داشته و قرارهای نظارت قضایی را با هدف اصلاح و پیشگیری از جرم پیش‌بینی نموده است. ولیکن، نظر به اینکه قرار نظارت قضایی در قانون فوق‌قراری تکمیلی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری می‌باشد و امکان جمع آن در جرایم تعزیری هفت و هشت وجود دارد، صحبت از جان‌نشینی قرارهای نظارت قضایی و گسترش قرارهای تأمین کیفری در عمل امکان‌پذیر نمی‌باشد.

#### ۴-۲- جبران خسارت مدت بازداشت موقت

در این خصوص، ماده ۲۵۵ قانون آ. د. ک ۱۳۹۲ حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت را برای اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب درمورد آنان صادر می‌شود، به رسمیت شناخته است. اشخاص فوق، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

افزون بر این، قانونگذار به منظور تسریع در جبران خسارت مدت بازداشت، درخواست رسیدگی به درخواست شخص بازداشت شده را به کمیسیون استانی تشکیل شده از سه دادرس دادگاه

تجدیدنظر واگذار کرده است. بر اساس ماده ۲۵۸ قانون فوق، به تصمیم این کمیسیون می توان در کمیسیون ملی جبران خسارت اعتراض کرد.

ماده ۲۵۵ مزبور، مواردی دیگری را که به بازداشت متهم انجامیده است شامل نمی شود. بنابراین، در مواردی که سلب آزادی متهم به دلیل ناتوانی از معرفی کفیل یا ارائه وثیقه به ویژه در مواردی که متهم موجبات صدور این قرارها را فراهم آورده باشد، حق جبران خسارت وجود نخواهد داشت. در تأیید این نظر می توان گفت که چنانچه بازپرس پس از تفهیم اتهام، دفاع های متهم را ناموجه تشخیص دهد، باید قرار تأمین کیفری مانند کفالت یا وثیقه صادر کند.

گرفتن این تصمیم از سوی بازپرس به ویژه در مواردی که بازداشت شخص به دلیل ناتوانی از معرفی کفیل یا ارائه وثیقه یا ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و دلایل بی گناهی خود باشد، براساس بند الف ماده ۲۵۶ قانون فوق، موجه تشخیص داده می شود.

بدین ترتیب، چنانچه متهم در ادامه جریان تحقیقات مقدماتی، دلائل و قرائنی ارائه دهد یا ضمن آخرین دفاع، مطالبی بیان کند که بی گناهی وی را ثابت کند و بازپرس در این مرحله، قرار منع تعقیب صادر کند، این تصمیم را نمی توان مستند مطالبه خسارت مدت بازداشت از دولت دانست. (همان، ۱۳۲)

## ۲-۵- قرار تامین کیفری متناسب و کاهش جمعیت زندان ها

کشور ما، از حیث شمار جمعیت کیفری هشتمین و از حیث تعداد بازداشت های پیش از محاکمه نهمین کشور جهان است. افزایش نرخ زندان از ۱۷۲ نفر در سال ۱۳۷۲ به ۳۸۷ نفر در سال ۱۳۹۳ و همچنین افزایش نرخ بازداشت پیش از محاکمه از ۳۹ به ۷۲ نفر در مدت یاد شده، نشانگر آن است که ایران دچار افزایش جمعیت کیفری است. افزایش نرخ بازداشت های پیش از محاکمه ناشی از عوامل تقنینی و قضایی است. عواملی چون جرم انگاری افراطی، حبس گرای و کنترل مواد مخدر. (آشوری و انصاری، ۱۳۹۶، ص: ۱۲)

در خصوص کاهش جمعیت کیفری زندان ها مقتن نیازمند کاهش جرم انگاری گسترده و کاهش موارد بازداشت پیش از محاکمه می باشد. از جمله نوآوری هایی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که موارد بازداشت موقت اجباری را لغو نموده است.

در راستای حفظ حقوق و آزادی های متهم در مرحله پیش از دادرسی، در تاریخ ۹۲/۳/۲۹ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری را تصویب و بر اساس این دستورالعمل مراجع قضایی

مكلف شده‌اند از صدور قرارهای بازداشت موقت بجز موارد مطروحه در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مزبور و سایر قوانین که بازداشت موقت را تجویز کرده است، اجتناب کنند.

دادستان‌ها و معاونین آنها در مقام تأیید قرار فوق مكلف به بررسی ضرورت قانونی و ملاحظه عواقب و آثار بازداشت‌ها بویژه بر نوجوانان، جوانان، سالخوردگان و بیماران، هستند. مشکلی که گاهی در مراجع قضایی به چشم می‌خورد بازداشت شدن متهم به عنوان جایگزینی از قرار کفالت یا وثیقه بود، آن‌هم درجایی که متهم به دلیل نداشتن زمان کافی اداری یا نبود دسترسی به کفیل خود یا طولانی بودن فرآیند کارشناسی وثیقه به ناچار حتی برای یک‌شب هم که شده راهی بازداشت می‌شد.

این دستورالعمل در ماده ۲ خود سعی در رفع اینگونه مشکلات دارد. به این شکل که صدور قرار را به نحوی صحیح تلقی کرده است که متهم فرصت کافی برای معرفی کفیل یا تودیع وثیقه داشته باشد و افراد مسئول تمهیدات لازم را به‌منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کند.

قانونگذار با پیش‌بینی قرارهای متعدد کیفری در صدد اجتناب از بازداشت شهروندان به منظور پیشگیری از افزایش تعداد زندانیان، زندان‌زدایی، مصون ماندن افراد از اثرات سوء زندان و پیشگیری از جرم بوده است که این اقدام قانونگذار ستودنی و ناشی از خرد و آینده‌نگری آنان است. اما بایستی در این خصوص متذکر شد که در مراجع قضایی قضات به طور وسیع قرارهای کفالت، وثیقه و بازداشت موقت در پرونده‌ها را صادر می‌کنند که بعضی از قرارها فقط در قوانین و بحث‌های حقوقی نمود پیدا می‌کنند و در عمل در سیستم قضایی کشور کارایی ندارند. به عنوان مثال قرار التزام به خارج نشدن از حوزه قضایی با قول شرف با وجود سابقه دیرینه در قانون بصورت قانون متروکه درآمده است.

بنابراین ضرورت دارد دستگاه قضایی با افزایش نظارت‌های قضایی موجب صدور تمامی قرارهای قانونی در موارد معین شود و رویه کنونی صدور قرارها را به سمت و سوی قانونی هدایت کند. با این حال نوع قرار بایستی با اتهام انتسابی متناسب باشد. جرایم شدید قرارهای شدیدی را در پی دارد و در جرایم ساده نیز قرارهای سبک صادر خواهد شد. در تمامی جرایم نیز صدور قرار الزامی نیست و در جرایم غیرعمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

## نتیجه‌گیری

اخذ تأمین از متهم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از یک سو اصل برائت ایجاد می‌کند که تا تعیین تکلیف قطعی اتهام وارده به شهروندان هیچ گونه محدودیتی نسبت به اموال یا آزادی آنان وارد نشود، از سوی دیگر ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار و تبانی و به ویژه جلوگیری از تضييع حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرم و غیره نیازمند این است که در پاره‌ای از موارد، قبل از اعلام نظر قطعی، قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او یا سایر افراد فراهم شود.

جهت حفظ حقوق شهروندی متهمان، قانونگذار در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از تناسب تأمین یاد کرده است. این قرارها، با توجه به شرایط قانونی گاه شدید و منجر به سلب آزادی متهم پیش از اثبات جرم می‌شود و گاه شدتش کم تر است و تنها به ملتزم شدن متهم به عدم خروج از حوزه قضایی خاص و یا اجبار او به معرفی کفیل و یا ابداع وثیقه منتهی می‌گردد.

همچنین قانونگذار نسبت به گسترش قرارهای تأمین کیفری اقدام نموده است، بدینصورت که، در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ در ماده ۱۳۲ به طور حصری به پنج نوع قرار اشاره شده شامل: "۱- التزام به حضور با قول شرف، ۲- التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم، و در صورت استنکاف، تبدیل به وجه الکفاله، ۳- اخذ کفیل با وجه الکفاله، ۴- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول، ۵- بازداشت موقت با شرایط مقرر در این قانون."

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ده نوع قرار تأمین کیفری پیشنهاد شده است، ۱- التزام با قول شرف، ۲- التزام با وجه، ۳- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف، ۴- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام، ۵- التزام به معرفی نوبه‌ای، ۶- التزام به مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح با تعیین وجه التزام، ۷- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با تعیین وجه التزام، ۸- کفالت، ۹- وثیقه ۱۰- بازداشت موقت. در قانون جدید، علاوه بر قرارهای تأمین کیفری فوق، "قرار نظارت قضایی" نیز پیشنهاد شده است. که با وجود تنوع و گستردگی آنها، مقام قضایی می‌تواند قرار متناسب‌تری با توجه به متهم صادر کند.

در حال حاضر، اصل تفرید یا اصل تناسب یکی از اصول مهم قوانین کیفری کشورهای دنیا از جمله کشور ما می باشد، زیرا، چه بسا برای ارتکاب جرایم مشابه، لزوماً مجازات یا تصمیم قضایی مشابه را مناسب نباشد، بلکه باید به فرد متهم هم توجه شود. یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر این قرارها، لزوم تناسبشان با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام انتسابی است. در این خصوص ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ بیان می دارد، قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

شاخص‌های مذکور در ماده ۲۵۰ علی الاصول و نوعاً ناظر به بعد نوع قرار تأمین است و برای اینکه معلوم گردد کدام نوع از انواع قرارهای جانشین متناسب است به شاخص‌های مزبور مراجعه می شود و برای رعایت تناسب قرار تأمین در بعد مبلغ یا میزان، مهم‌ترین و معقول‌ترین شاخص، شاخص ضرر و زیان ناشی از جرم، مذکور باشد که قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد میزان وثیقه یا وجه‌الکفاله یا وجه‌الالتزام نباید در هر حال کمتر از خسارت‌هایی باشد که مدعی خصوصی مدعی است.

شاخص‌های صدور قرار تأمین کیفری متناسب به دو دسته شاخص‌های عام و خاص تقسیم می شود شاخص‌های عام تناسب مانند اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت متهم را مورد اشاره قرار داده است. شاخص‌های خاص مانند، قرارهای کفالت و وثیقه تجویز شده در جرم صدور چک بلامحل، یا قرارهای قابل اصدار در خصوص شخص حقوقی محدود به دو مورد ممنوعیت از تغییر در وضعیت حقوقی و ممنوعیت از اشتغال به برخی فعالیت‌های شغلی، می باشد.

همچنین، در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تصریح شده است: "قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی،

سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد." بدیهی است که این ابعاد شخصیتی در صدور قرار تأمین بسیار موثر می‌باشند. در نتیجه، جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه به همراه جرایم تعزیری درجه یک تا شش موضوع قرار نظارت قضایی قرار می‌گیرند و این قرار در این جرایم، قرار تکمیلی است، ولی تنها و در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، این قرار، قرار مستقل است و جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات نمی‌توانند مشمول این نوع قرار نظارت قضایی قرار گیرد.

همچنین این نتیجه حاصل شد، در قانون آیین دادرسی کیفری با گسترش موارد تناسب قرار تأمین کیفری، پیش بینی قرارهای نظارت قضایی، لغو بازداشت اجباری، معقول بودن مدت بازداشت موقت، لزوم بازبینی در قرار بازداشت موقت پس از گذشت مهلت های مقرر قانونی، و در نهایت کاهش موارد بازداشت موقت پیش از دادرسی، قانون فوق نسبت به قانون سابق بیشتر و بهتر منجر به حفظ حقوق و آزادی های افراد و کاهش جمعیت کیفری زندان های می شود.

### پیشنهادات

- ✓ هر چند شاخص های ذکر شده در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری حصری می باشد. ولیکن مقام قضایی می بایست با توجه به مفاد ماده فوق که بر رعایت لزوم تناسب قرار کیفری تاکید دارد. در توجه به شاخص تناسب تمام جوانب را بررسی نموده و به عنوان مثال، با توجه به عواملی چون وضعیت خانوادگی فرد و دسترسی وی به خویشاوندان و وضعیت خانوادگی وی (که جزو عوامل حصری در ماده فوق نمی باشد ولیکن در جهت صدور قرار تأمین کیفری متناسب اثر گذار هستند) اقدام به صدور قرار کفالت یا وثیقه نماید.
- ✓ از نهاد های تعقیب انتظار می رود با بهره گیری از گسترش قرارهای تأمین کیفری در قانون ۹۲ نسبت به صدور حداقلی قرارهای بازداشت موقت که مخالف با حقوق و آزادی های افراد است اقدام نمایند.

## منابع

- آشوری، محمد و انصاری، جواد (۱۳۹۷)، عوامل افزایش جمعیت کیفری ناشی از بازداشت های پیش از محاکمه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۲.
- الهی منش، م و مرادی اوجقاز، م، (۱۳۹۳)، تبلور حقوق شهروندی در فرایند دادرسی کیفری، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۰.
- جنیدی، فاطمه، (۱۳۷۸)، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان اسلام، انتشارات نشر.
- رجب، محمدعلی، (۱۳۹۶)، اصل تناسب تأمین و جایگاه آن در نظام دادرسی کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره ۹۸.
- ساقیان، محم مهدی، (۱۳۹۳)، تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶.
- صابر، مهدی، (۱۳۸۸)، معیارها و تضمین های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳.
- فیروزیان حاجی، ابوالفضل، (۱۳۹۷)، اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه های آن، پژوهش دینی، شماره ۳۶.
- قجاوند، احمد، (۱۳۹۳)، قرارهای تامین در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۳ و تطبیق آن با حقوق انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرمشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات شهر قدس.
- مشهدی کلابی، محمد، (۱۳۹۴)، صدور قرار تأمین کیفری متناسب با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرمشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی.
- ناجی زواره، محسن، (۱۳۸۹)، تناسب در قرارهای تامین کیفری، تحقیقات حقوقی، شماره ۸.
- نصرتی، کاوه، (۱۳۹۷)، قرار تامین کیفری در حقوق داخلی، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره ۵. ۲۲۹.

<http://en.wikipedia.org>. last . Last seen ۱۳۹۸/۰۱/۴ .

<http://rbo.ir>. Last seen ۱۳۹۸/۰۱/۰۶ .

<http://www.iran-newspaper.com>. Last seen ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی